

پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی

سال، هجتم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۷

صص ۹۰-۷۱



انجمن حسابداری

تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت افشای اطلاعات با تأکید بر محافظه کاری

نازنین بشیری منش*، ملیحه مهری کامرود**

چکیده

کیفیت افشای اطلاعات در صورتهای مالی بنگاه‌های اقتصادی در راستای حمایت از منافع سرمایه‌گذاران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی نقش مهمی در شفافیت بازار سرمایه ایفا می‌کند. مدیران توانمند، آگاهی بیشتری درباره وضعیت شرکت و صنعت دارند و در شرایط مختلف می‌توانند با افزایش سطح افشای اطلاعات علامت دهی مناسبی به بازار سرمایه داشته باشند و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند. در این پژوهش با نمونه‌ای متشکل از ۵۲۰ مشاهده (سال - شرکت) طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ به بررسی رابطه بین کیفیت افشا و توانایی مدیریت با تأکید بر محافظه کاری پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، توانایی مدیران تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت افشای اطلاعات دارد. همچنین محافظه کاری بر کیفیت افشای اطلاعات تأثیر منفی و معناداری دارد. اما شواهدی مبنی بر تأثیرگذاری محافظه کاری بر رابطه بین توانایی مدیر و کیفیت افشای اطلاعات مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت افشا، توانایی مدیریت، محافظه کاری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

* استادیار حسابداری، دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، فردوس

نویسنده مسئول: نازنین بشیری منش bashirimanesh@gmail.com

مقدمه

سرمایه‌گذاران با استفاده از اطلاعات مالی شرکت‌ها بازده مورد انتظار خود را برآورد می‌کنند، لذا برای اینکه اطلاعات مالی گزارش شده بتواند در ارزیابی عملکرد و توان سودآوری یک شرکت به استفاده‌کنندگان کمک کند و سرمایه‌گذاران بتوانند به اتکای این اطلاعات، بازده مورد انتظار خود را برآورد کنند، ارائه اطلاعات باید به نحوی باشد که ارزیابی عملکرد گذشته شرکت را ممکن سازد و در سنجش توان سودآوری و پیش‌بینی فعالیت‌های آتی مؤثر باشد. بنابراین علاوه بر این که ارقام مندرج در گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران مهم است و بر تصمیم‌های آنها تأثیر دارد، کیفیت گزارشگری مالی و افشا نیز به عنوان یکی از ابعاد اطلاعات مالی مورد توجه خاص سرمایه‌گذاران است. (کردستانی، ۱۳۸۶)

کیفیت افشا را می‌توان میزان دقت گزارشگری مالی در انعکاس اطلاعات مربوط به عملیات و جریانهای نقدی واحد انتفاعی تعریف نمود که متأثر از عوامل مختلفی از جمله توانمندی مدیریت شرکت می‌باشد. اطلاعات مرتبط با قابلیت مدیران شرکتهای، از قبیل توانایی آنها در استفاده از فرصتهای سرمایه‌گذاری، تأمین منابع، تخصیص بهینه منابع، و دانش و تجربه آنها، یکی از ابعاد مهم و ارزشمند داراییهای نامشهود شرکتهای تجاری محسوب می‌شوند (نمازی و غفاری، ۱۳۹۴). دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع در شرکتهای شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های فروش، اداری و عمومی، دارایی‌های ثابت مشهود، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت می‌شود (حاجب و همکاران، ۱۳۹۳). اعتقاد بر این است که مدیران توانا درک مناسب تری از فن‌آوری و روند صنعت دارند و با اتکای بیشتری می‌توانند تقاضای محصولات را پیش‌بینی کنند. همچنین، سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در طرح‌های باارزش‌تر و مدیریت کارای کارمندان نیز از ویژگی مدیران توانمند است. انتظار می‌رود در کوتاه‌مدت این مدیران بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی از منابع کسب کنند یا با استفاده از منابع کمتر بتوانند به سطح معینی از درآمد دست یابند (دمرجیان، ۲۰۱۲). از نظر تئوری علامت‌دهی، شرکتهای دارای عملکرد مطلوب، از سطح افشای بیشتری برخوردار هستند، زیرا این شرکتهای توانایی بازپرداخت بدهی‌های کوتاه‌مدت خود را دارند و می‌توانند

سودآوری خود را تداوم بخشند. لذا مدیران با توانایی بالا، انگیزه بیشتری برای افشای اطلاعات به بازار داشته تا بتوانند عملکرد خوب خود را به بازار سرمایه ارائه نموده و مزیت‌های رقابتی کسب کنند.

چامر و پاگلیس (۲۰۰۵) و چامر و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش‌های خود بیان کردند که در شرکت‌هایی که توسط مدیران توانمند اداره می‌شود، عدم تقارن اطلاعاتی کمتری وجود داشته و سرمایه‌گذاران ارزش‌گذاری بالاتری برای چنین شرکت‌هایی دارند. به عبارت دیگر، مدیران توانمند امکان دستکاری اعداد حسابداری را کاهش داده و از این رو عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و ارزش شرکت را افزایش دهند. لذا در این پژوهش به بررسی تاثیر توانایی مدیران بر کیفیت افشای اطلاعات با تاکید بر محافظه کاری پرداخته می‌شود که در پژوهش‌های داخلی مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. در پژوهش‌های داخلی تاثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی، سیاست‌های تقسیم سود، اجتناب مالیاتی و ... بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند بیانگر اهمیت میزان توانایی مدیران و محافظه کاری در بهبود کیفیت افشای اطلاعات بوده و به غنای ادبیات حوزه توانایی مدیران بیفزاید. همچنین یافته‌های این پژوهش می‌تواند اطلاعات مفیدی به مدیران، تحلیل‌گران مالی، استادان و دانشجویان حسابداری درباره تاثیرگذاری مولفه‌های رفتاری بر کیفیت افشای اطلاعات ارائه دهد.

مبانی نظری

توانایی مدیریت و کیفیت افشا

یکی از سرمایه‌های انسانی، که نقش مهمی در تبدیل منابع شرکت به درآمد و خلق ثروت برای سهامداران را دارد، مدیران شرکتهای تجاری هستند. اطلاعات مرتبط با قابلیت مدیران شرکتهای، از قبیل توانایی آنها در استفاده از فرصتهای سرمایه‌گذاری، تامین منابع، تخصیص بهینه منابع، و دانش و تجربه آنها، یکی از ابعاد مهم و ارزشمند داراییهای نامشهود شرکتهای تجاری محسوب می‌شوند. این اطلاعات برای سرمایه‌گذاران و تحلیلگران و استفاده‌کنندگان صورتهای مالی دارای محتوای اطلاعاتی ارزشمند و با اهمیت هستند. (نمازی و غفاری، ۱۳۹۴) مدیران به عنوان نمایندگان افراد و گروه‌های مختلف ذینفعان مسئولیت استفاده از منابع مالی آنها را بر عهده دارند و انتظار می‌رود مدیران توانمند به

منظور تامین منافع ذینفعان و ایفای مسئولیت پاسخگویی با افزایش کیفیت افشای اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند. اعتقاد بر این است که مدیران توانا تر درک مناسب‌تری از فن آوری و روند صنعت دارند و با اتکای بیشتری می‌توانند تقاضای محصولات را پیش بینی کنند. همچنین، سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در طرح‌های باارزش‌تر و مدیریت کارای کارمندان نیز از ویژگی مدیران توانمند است. انتظار می‌رود در کوتاه‌مدت این مدیران بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی از منابع کسب کنند یا با استفاده از منابع کمتر بتوانند به سطح معینی از درآمد دست یابند (دمرجیان، ۲۰۱۲).

افزایش توانمندی مدیران منجر به کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و در نتیجه بهبود کیفیت سود و افزایش سطح افشای اطلاعات می‌شود. در ایران پژوهش‌های مختلفی در زمینه توانایی مدیر و کیفیت سود و کیفیت گزارشگری مالی صورت گرفته است که به جنبه کنترلی توانمندی مدیر در کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه پرداخته است؛ در حالی که توانمندی بالای مدیر می‌تواند در راستای بهبود کیفیت افشای اطلاعات و کاهش هزینه‌های نمایندگی بکار رود. بر این اساس به منظور شناسایی روابط بین توانایی مدیر و کیفیت افشای اطلاعات، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: توانایی مدیر بر کیفیت افشای اطلاعات تاثیر مثبت و معناداری دارد.

محافظه کاری

اخباری که درباره وضعیت شرکتها وجود دارد در دو دسته اخبار خوب و اخبار بد قرار دارند. اریتمور و همکاران (۲۰۱۴) بیان می‌کنند، مدیران در برآورد آثار اخبار بد با عدم اطمینان بیشتری مواجه هستند، از این رو در افشای اخبار بد تاخیر می‌کنند. کوتاری و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند، مدیران به دلیل منافع شخصی خود از قبیل، حقوق و مزایا، پاداش‌های مبتنی بر قیمت سهام و شهرت شغلی، تمایل به افشای اخبار خوب داشته و افشای اخبار بد را به تأخیر می‌اندازند. محافظه کاری، یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری است که مانع خوش بینی بیش از حد مدیران و همچنین تأخیر بیش از حد در انتشار اخبار بد می‌شود (بیور و رایان، ۲۰۰۵). محافظه کاری به واسطه الزام به قابلیت تأیید پذیری نامتقارن برای شناسایی سودها و زیان‌ها، منجر به تسریع در شناسایی اخبار بد به عنوان زیان نسبت به اخبار خوب به عنوان سود می‌شود. این موضوع انگیزه‌های مدیران را

برای عدم افشای اخبار بد و تسریع در افشای اخبار خوب محدود می‌کند. (فروغی و همکاران، ۱۳۹۱). در ادبیات محافظه کاری، محققان نشان دادند، افشای با کیفیت بالا نیاز به محافظه کاری مشروط (که مربوط به درجه تایید بالا برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد است) دارد و در شرکت‌های با سطح افشای بیشتر، محافظه کاری مشروط بیشتری مشاهده می‌شود (برادبری و همکاران، ۲۰۰۷ و رحیمیان و ابراهیمی میمند، ۱۳۹۲)

محافظه کاری و توانایی مدیریت رابطه نزدیکی با یکدیگر داشته و هر دو نقش مهمی در کاهش رفتارهای فرصت طلبانه و هزینه‌های نمایندگی ایفا می‌کنند. بنابراین انتظار می‌رود محافظه کاری، رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت افشا را تعدیل نماید. لذا فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر بیان می‌گردد:

فرضیه دوم: محافظه کاری بر رابطه بین توانایی مدیر و کیفیت افشای اطلاعات تاثیر معناداری دارد.

پیشینه

با توجه به تاثیر گذاری توانمندی مدیران بر عملکرد شرکت، کیفیت گزارشگری مالی، کارایی سرمایه گذاری و بطور کلی ارزش آفرینی برای سرمایه گذاران، محققان به منظور اندازه گیری این متغیر از معیارهای مختلفی استفاده کردند. برای مثال، بازده سهام تعدیل شده صنعت (فی وهادلاک، ۲۰۰۳)، ارزیابی رسانه‌ای (میلبورن، ۲۰۰۳) و بروز ورشکستگی شرکتهای (لورتی و گریس، ۲۰۱۲) برای سنجش توانایی مدیر استفاده نمودند ولی این معیارها مورد پذیرش واقع نشدند، زیرا ناکامی یا موفقیت شرکت را نمی‌توان بطور کامل به توانایی به مدیر نسبت داد.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های صورتهای مالی و بهره گیری از رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها در قالب اندازه گیری کارایی شرکت، شاخص مستقیمی برای سنجش توانایی مدیریت ارائه کردند. از آنجا که این شاخص ترکیبی از ویژگی‌های مدیریت و شرکت است، در مرحله بعدی آنها کارایی به دست آمده را به کارایی حاصل از توانایی مدیریت و کارآیی ذاتی شرکت تفکیک نمودند. در سالهای اخیر، در پژوهشهای داخلی و خارجی از این معیار به عنوان توانایی مدیر استفاده می‌شود. در ادامه به برخی از تحقیقات انجام شده در خارج و داخل در حوزه کیفیت افشا و توانایی مدیریت اشاره می‌شود.

چامرن و سمویان (۲۰۱۰) تاثیر ویژگی‌های مدیران بر عرضه اولیه و عرضه فصلی سهام بررسی نمودند. یافته‌های این پژوهش نشان داد، توانایی مدیران تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر میزان صدور سهام فصلی و صدور سهام اولیه دارد. آنها نشان دادند، مدیران توانمند از طریق کاهش سطح عدم تقارن اطلاعاتی در عرضه سهام موفق تر عمل می‌کنند.

چو و اوتو (۲۰۱۲) توانایی مدیران در امکان ارائه اطلاعات مفید درباره سودهای آتی را بررسی نمودند. یافته‌ها نشان داد، در شرکت‌هایی با مدیران توانمندتر، بازده‌های از قدرت آگاهی‌دهندگی بیشتری درباره سودهای آتی برخوردار است.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رابطه توانایی مدیران و کیفیت سود پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که کیفیت سود شرکتها با توانایی مدیریت، رابطه مثبت و معنی داری دارد. مدیران توانمندتر منجر به ایجاد درآمدهای بالاتر، کیفیت سود بیشتر، خطای کمتر در تامین مالی نامناسب از طریق استقراض میشوند.

اندرو و همکاران (۲۰۱۳) اقدام به بررسی رابطه توانایی مدیریت و عملکرد شرکت در بحران مالی سال ۲۰۰۸ کردند. محققین دریافتند که توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مستقیم دارد. به طور کلی نتایج نشان داد که شرکت‌های با مدیران توانمندتر در دوره‌های بحرانی خود، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام می‌دهند، سود بیشتری عاید شرکت می‌کنند و چنانچه روند سودآوری مناسب نباشد، از ابزار تامین مالی بدی به نحو مناسب استفاده می‌کنند. همچنین توانایی مدیریت با نامتقارنی اطلاعات رابطه منفی و معنادار دارد. لی (۲۰۱۵) تاثیر توانایی مدیران را در افشای کنترل‌های داخلی شرکت مورد بررسی قرار داد. محقق با بررسی اطلاعات ۵۰ شرکت برتر بورس چین طی دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ نشان داد، با افزایش میزان توانمندی مدیران، میزان افشای اختیاری و اجباری کنترل‌های داخلی در شرکت افزایش می‌یابد و هزینه سرمایه شرکت کاهش می‌یابد.

بوکی (۲۰۱۶) در پژوهشی تاثیر توانایی مدیران طی دوره تصدی در شرکت را بر افشای اختیاری اطلاعات بررسی نمود. این محقق با بررسی اطلاعات ۵۰ شرکت برتر بورس ایالات متحده طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ نشان داد، مدیران توانمند سعی می‌کنند برای ارائه عملکرد خوب به بازار کار، سطح افشای اختیاری به ویژه در بعد اطلاعات چشم‌انداز آتی را افزایش دهند و چشم انداز مثبتی را ترسیم نمایند.

نیکبخت و حاجی‌عظیمی (۱۳۹۲) تاثیر محافظه‌کاری مشروط بر کیفیت افشا را بررسی

نمودند. یافته‌ها نشان داد، بین کیفیت افشا و محافظه کاری مشروط رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه منفی و معناداری بین محافظه کاری مشروط و اجزای کیفیت افشا (ارائه به موقع و قابل اتکای اطلاعات) مشاهده شد که بیانگر عدم تمایل مدیران به ارائه به موقع اطلاعات و افزایش نوسانات در پیش‌بینی‌های مدیران می‌باشد.

رضایی نژاد و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت سود پرداختند. محقق با آزمون فرضیه‌ها نشان داد که با استفاده از هر سه معیار محاسبه کیفیت سود (ارائه‌ی مجدد سود، پایداری سود و کیفیت اقلام تعهدی)، توانایی مدیریت بر کیفیت سود اثرگذار می‌باشد؛ بدین صورت که مدیران توانا تر سودهای با کیفیت بالاتری گزارش می‌دهند.

مشایخ و میمنت‌آبادی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین افشای حسابداری، کیفیت حسابداری و محافظه کاری پرداختند. یافته‌ها حاکی از رابطه معکوس بین کیفیت افشا و اقلام تعهدی اختیاری بود؛ اما بین کیفیت افشا و محافظه کاری شرطی و غیرشرطی رابطه معناداری یافت نشد. هم‌چنین برخلاف انتظار، در کیفیت افشای بالا بین محافظه کاری شرطی و غیرشرطی رابطه معکوس یافت نشد.

کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی اثر توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. نتایج حاکی از آن است که توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری اثرگذار نیست. این نتیجه در بازار ایران به علت ناکارایی بازار سرمایه و بی‌ثباتی شرایط اقتصادی قابل توجیه است؛ چرا که در زمان ناکارایی بازار سرمایه، بحث نامتقارنی اطلاعات پیش می‌آید ولی عدم تقارن اطلاعات باعث نمی‌شود که هزینه‌های تأمین مالی شرکت‌ها به خاطر مخفی بودن اطلاعات واقعی آن‌ها از افکار عمومی بالا رود.

دیدار و همکاران (۱۳۹۵) تاثیر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت گزارشگری مالی را بررسی نمودند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که محافظه کاری شرطی باعث افزایش کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود شد، اما بر کیفیت افشا تأثیر معناداری نداشته و همچنین محافظه کاری غیرشرطی تأثیر معناداری بر کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت افشا نداشته ولی باعث افزایش پایداری سود شده است.

عبدلی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی توانایی مدیریت بر ثبات سود و کیفیت اقلام

تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سود سال جاری و سود سال بعد رابطه مثبت معناداری وجود دارد. در واقع هر چه میزان سودهای سال جاری بیشتر باشد شرکت در سال بعد پایداری سود خواهد داشت. همچنین بین توانایی مدیران و سودهای سال آتی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و این امر نشان دهنده آن است که توانایی‌های مدیران بر ایجاد سود و تکرار سودها بسیار موثر خواهد بود.

سپاسی و کاظم پور (۱۳۹۵) در بررسی عوامل تاثیر گذار بر هزینه‌های نمایندگی و کیفیت افشای اطلاعات نشان دادند، ساختار سرمایه، مالکیت مدیریتی و مدیریت سود تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت افشا اطلاعات می‌گذارند. اما، رابطه معناداری بین مالکیت نهادی و کیفیت افشا مشاهده نشد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان کرد که شرکت‌ها می‌توانند برای بالابردن کیفیت افشا که خود یک علامت مثبت برای سرمایه‌گذاران در بورس است؛ مدیریت سود و تعداد سهام در دست اعضای هیأت‌مدیره و میزان استفاده از بدهی را کاهش دهند.

حسینی القار و شعری آناقیز (۱۳۹۶) تاثیر توانایی مدیران بر اجتناب مالیاتی را بررسی نمودند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد، توانایی مدیریت، تأثیر مثبت معناداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر غیرمستقیم اندازه شرکت و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی است.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، از پژوهش‌های کاربردی می‌باشد و لحاظ روش، نوعی پژوهش زمینهای در حوزه حسابداری و مالی است که در آن از روابط آماری و مدل‌های ریاضی جهت بررسی و تبیین متغیرهای پژوهش استفاده می‌شود که در آن به منظور بررسی روابط متغیرها و تحلیل فرضیه‌ها از رویکرد رگرسیون چند متغیره با داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که شرایط زیر را در برداشته باشند:

۱. شرکت از ابتدای سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان

سال ۱۳۹۴ در بورس فعال باشد.

۲. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره‌ی مالی آنها، منتهی به اسفند ماه باشد. علت انتخاب این معیار، این است که در محاسبه متغیرها، تا حد امکان دوره‌های زمانی مشابه باشند و شرایط و عوامل فصلی، در انتخاب عوامل و متغیرها اثرگذار نباشد.

۳. وقفه معاملاتی بیش از سه ماه در محدوده تعیین شده وجود نداشته باشند.

۴. داده‌های مورد نظر آنها در دسترس باشد. آشکار است که در صورت عدم دسترسی به داده‌های مورد نیاز امکان اجرای تحقیق میسر نخواهد بود.

۵. شرکت جزء صنایع «بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و سایر نهادهای پولی»، «سایر واسطه‌گری‌های مالی»، «سرمایه‌گذاری‌های مالی» و «شرکت‌های چندرشته‌ای صنعتی» نباشد.

برحسب شرایط فوق، صورتهای مالی ۱۰۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه باقیمانده مورد واکاوی قرار گرفت. در نتیجه مشاهدات بدست آمده برای تحلیل روابط آماری پژوهش ۵۲۵ سال- شرکت می‌باشد.

متغیرها

کیفیت افشا

کیفیت افشا به عنوان متغیر وابسته پژوهش برابر است با امتیاز افشای محاسبه‌شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران. برای سنجش متغیر کیفیت افشا، از امتیازهای تعلق گرفته به هر شرکت که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و از طریق اطلاعیه "کیفیت افشا و اطلاع رسانی مناسب" منتشر می‌شود، استفاده می‌گردد. این امتیازها بر اساس شاخص‌های دقیق و عینی مانند زمان ارائه اطلاعات مربوط و تفاوت پیش بینی‌ها با نتایج واقعی محاسبه شده است. بنابراین، معیار مورد استفاده از عینیت و قابلیت اتکای کافی برخوردار است. برخلاف بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار تهران، این امتیازها، فقط به کمیت افشا توجه نمی‌کند و معیارهای به موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات افشاشده را نیز مد نظر قرار می‌دهد. طبق یافته‌های پژوهش‌های تجربی، کمیت افشا، معیار مناسبی برای کیفیت آن محسوب نمی‌شود. (ستایش و همکاران، ۱۳۹۰)

توانایی مدیریت

متغیر مستقل این پژوهش، توانایی مدیریت است. در پژوهش حاضر، به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، استفاده شده است. در این مدل، با استفاده از اندازه‌گیری کارآیی شرکت و سپس ورود کردن آن در رگرسیون خطی چندمتغیره به عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می‌شود. به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیران، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، از مدل تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کرده‌اند. مدل تحلیل پوششی داده‌ها، نوعی مدل آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی، کاربرد دارد. در الگوی مورد استفاده در این پژوهش در آمد حاصل از فروش به عنوان خروجی و هفت متغیر دیگر یعنی بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات، هزینه اجاره عملیاتی، هزینه تحقیق و توسعه، سرقفلی و دارایی‌های نامشهود به عنوان ورودی در نظر گرفته شده است که به مقدار زیادی حق انتخاب مدیریت در دستیابی به درآمد مورد نظر را پوشش می‌دهند.

$$\max_v \theta = \frac{\text{sales}}{v_1 \text{CoGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{NetPPE} + v_4 \text{OpsLease} + v_5 \text{R\&D} + v_6 \text{Goodwill} + v_7 \text{Intan}} \quad (1)$$

COGS = بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته، SG&A = هزینه‌های اداری و عمومی،
 PPE = املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات
 OPSLease = اجاره عملیاتی، R&D = مخارج تحقیق و توسعه، Goodwill = سرقفلی،
 otherIntan = سایر دارایی‌های نامشهود. هدف از محاسبه کارایی شرکت، اندازه‌گیری توانایی مدیریت است و از آنجا که در محاسبات مربوط به کارایی، ویژگی‌های ذاتی شرکت نیز دخالت دارد، نمی‌توان توانایی مدیریت را به درستی اندازه‌گیری کرد، زیرا متاثر از این ویژگی‌ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی محاسبه می‌شود. مثلاً مدیران توانا تر بدون توجه به اندازه شرکتی که در آن فعالیت می‌کنند، درک بهتری از چشم‌انداز آینده شرکت و صنعت دارند، در حالی که مدیران شرکت‌های بزرگ‌تر به صورت بالقوه از قدرت چانه‌زنی بالاتری در رابطه با عرضه‌کنندگان برخوردارند. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) به منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در الگویی که ارائه داده‌اند، کارآیی شرکت را به دو بخش جدا، یعنی کارآیی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت، تقسیم کرده‌اند. آنها این کار را با استفاده

از کنترل پنج ویژگی خاص شرکت (اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات) انجام داده اند. هر کدام از این پنج متغیر که ویژگیهای ذاتی شرکت هستند، می توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نماید یا در جهت عکس عملکرد، توانایی مدیریت را محدود کنند. این پنج ویژگی در مدل زیر که توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) ارائه شده، کنترل شده اند:

$$\text{Firm Efficiency}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Size}_{it} + \alpha_2 \text{Market Share}_{it} + \alpha_3 \text{Free Cash Flow Indicator}_{it} + \alpha_4 \text{Age}_{it} + \alpha_5 \text{Foreign Currency Indicator}_{it} + \varepsilon_0 \quad (2)$$

که در آن؛ Size: اندازه شرکت و برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت؛ Market Share؛ سهم بازار شرکت ز در سال t و برابر است با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت؛ Free cash Flow Indicator: افزایش (کاهش) جریان نقد عملیاتی شرکت ز در سال t را نشان می دهد که در صورت مثبت بودن جریان نقدی عملیاتی، برابر یک و در صورت منفی بودن، برابر صفر در نظر گرفته می شود، Age: عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سالهایی که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است، Foreign currency Indicator صادرات شرکت ز در سال t و برای شرکت هایی که صادرات داشته اند، برابر یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است و باقی مانده الگو نیز نشان دهنده میزان توانایی مدیریت است. این الگو نیز همانند تحلیل پوششی داده ها باید بر اساس صنعت تحلیل شود. به همین دلیل در آن متغیرهای مربوط به سطح کل صنعت مثل رقابت نیز در الگو اثر داده نشده اند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲).

متغیر تعدیل کننده

محافظه کاری حسابداری (CON): به منظور اندازه گیری محافظه کاری حسابداری از مدل زیر استفاده می شود:

$$\text{CON2} = \frac{\text{جریان نقدی عملیاتی} - \text{سود خالص}}{\text{جمع دارایی ها}} \times (-1) \quad (3)$$

در این شاخص بر اقلام تعهدی تاکید شده و بیانگر محافظه کاری است. این مدل؛ مدل احمد و دوئلمان (۲۰۰۷) با الهام از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) می باشد.

متغیرهای کنترلی

اندازه هیات مدیره (BS): از لگاریتم طبیعی تعداد کل مدیران، اعضای موظف و غیرموظف هیات مدیره، اندازه گیری می شود.

نسبت مدیران غیرموظف (OD): از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره به کل اعضای هیات مدیره اندازه گیری می شود.

تمرکز مالکیت (OC): تمرکز مالکیت میزان سهام در مالکیت سهامداران عمده می باشد. بنابراین درصدی از سهام منتشره شرکت که در دست پنج سهامدار بزرگ شرکت می باشد، بعنوان تمرکز مالکیت در نظر گرفته می شود.

مالکیت نهادی (IO): سرمایه گذاران نهادی به عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی عبارت از سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه گذاری، صندوق‌های بازنشستگی می باشند.

اندازه شرکت (Size): برای سنجش اندازه شرکت‌های نمونه پژوهش حاضر به عنوان یکی از متغیرهای کنترلی، از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت‌ها در پایان دوره که در مطالعات قبلی (فخاری، ۱۳۸۹) نیز به کار رفته استفاده شد.

اهرم مالی (Leverage): برابر با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها است.

سودآوری (Profit): به منظور سنجش سودآوری از نسبت بازده فروش استفاده می شود که برابر است با سود خالص پس از کسر بهره و مالیات به درآمد حاصل از فروش شرکت فرصت رشد (Q): به منظور محاسبه و اندازه گیری فرصت رشد از نسبت کیوتوبین استفاده می شود. نسبت کیوتوبین نیز با استفاده از رابطه زیر به دست می آید:

$$Q_s = \frac{vocsiloy + emvopsiloy + bvltliloy + bvcliloy}{bvtaliloy} \quad (۴)$$

که در آن: vocsiloy: ارزش سهام عادی در پایان سال، emvopsiloy: برآورد ارزش بازار سهام ممتاز در پایان سال، bvltliloy: ارزش دفتری بدهی‌های بلندمدت در پایان سال، bvcliloy: ارزش دفتری بدهی‌های جاری در پایان سال، bvtaliloy: ارزش دفتری جمع دارایی‌ها در پایان سال سرمایه بر بودن فعالیت (cap-Act): برابر است با نسبت دارایی ثابت به کل دارایی‌های شرکت (نیکومرام، ۱۳۸۸)

آمار توصیفی

در جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. میانگین و میانه متغیر توانایی مدیریت به ترتیب برابر ۰/۰۲ و ۰/۰۲- است که سازگار با تحقیقات دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) می‌باشد و مقادیر حداقل (۰/۷۶۱-) و حداکثر (۰/۶۴۹) نیز نشان دهنده پراکندگی زیاد توانایی ذاتی مدیران فعال در شرکت‌های تحت آزمون است. میانگین و میانه متغیر کیفیت افشاء به ترتیب برابر ۶۸/۵۷۶ و ۷۰/۹۹۰ است که سازگار با یافته‌های سپاسی و کاظم پور (۱۳۹۵) است و نشان می‌دهد میانگین امتیاز افشاء اعلام شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار برای شرکت‌ها ۶۸ است، مقدار میانگین برای متغیر اندازه شرکت برابر با ۱۳/۹۴۰ می‌باشد که نشان می‌دهد، شرکت‌های نمونه پژوهش از سابقه فعالیت زیادی در بورس اوراق بهادار تهران برخوردار هستند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

متغیرها	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
کیفیت افشاء	۶۸/۵۷۶	۷۰/۹۹	۹۹/۹۰۶	۰/۰۰۰	۲۰/۸۲۹	-۰/۷۶۹	۳/۱۰۰
توانایی مدیریت	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۶	۰/۶۴۹	-۰/۷۶۱	۰/۲۳۹	۰/۱۳۱۵	۳/۸۰۷
محافظه کاری حسابداری	۰/۰۲۱	۰/۰۱۱	۰/۵۱۱	-۰/۳۵۴	۰/۱۳۵	۰/۰۳۳	۷/۵۰۴
اندازه هیات مدیره	۱/۶۱۶	۱/۶۰۹	۱/۹۴۵	۱/۶۰۹	۰/۴۸۴	-۶/۴۴۳	۷۹/۵۷
نسبت مدیران غیر موظف	۰/۶۵۷	۰/۶۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶	-۰/۲۶۳	۴/۴۶۷
تمرکز مالکیت	۰/۶۵۴	۰/۷۰۷	۰/۹۹۷	۰/۰۵۲	۰/۲۲۴	-۰/۸۳۱	۲/۸۱۱
مالکیت نهادی	۰/۶۰۲	۰/۷۱۳	۰/۹۹۴	۰/۰۰۰	۰/۳۰۷	-۰/۵۸۸	۱/۹۶۳
اندازه شرکت	۱۳/۹۴	۱۳/۸۴۰	۱۸/۷۳۹	۱۰/۱۶۷	۰/۳۰۷	۰/۵۴۹	۴/۰۸۵
اهرم مالی	۰/۶۴۰	۰/۶۳۱	۲/۷۵۰	۰/۰۹۰	۰/۲۶۳	۱/۶۸۰	۱۲/۲۶
سود آوری	۰/۱۱۹	۰/۰۹۶	۲/۰۳۴	-۱/۴۵۹	۰/۲۷۳	-۰/۷۸۰	۱۳/۶۱
فرصت رشد	۱/۷۱۴	۱/۴۸۶	۵/۷۵۰	۰/۵۵۶	۰/۷۴۰	۲/۷۸۱	۱۵/۶۲
سرمایه بر بودن فعالیت	۰/۲۴۴	۰/۱۹۵	۰/۸۵۰	۰/۰۱۹	۰/۱۷۱	۱/۲۴۶	۴/۱۳۹

آمار استنباطی

پیش از آزمون مدل‌های پژوهش، با توجه به استفاده از داده‌های ترکیبی، به بررسی مفروضات رگرسیون چندمتغیره پرداخته می‌شود. آزمون پایایی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد، تمام متغیرهای پژوهش ایستا هستند. هم‌خطی متغیرهای مستقل با استفاده از شاخص عامل تورم واریانس (VIF) بررسی که برای تمامی متغیرها بجز متغیر تمرکز مالکیت و اهرم مالی مقادیر کمتر از ۱۰ نشان داده شد که بیانگر عدم همخطی بین متغیرهای مستقل می‌باشد، لذا این دو متغیر از مدل پژوهش حذف گردید. بر اساس نتایج آزمونهای چاو و هاسمن، استفاده از روش اثرات ثابت برای برازش مدلها مشخص گردید. همچنین برای بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شد، یافته‌ها بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در مدلها بود که از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته GLS برای رفع ناهمسانی واریانس استفاده شد. آماره دوربین واتسون نیز برای سنجش خودهمبستگی اجزای باقیمانده استفاده شد.

آزمون فرضیه‌ها

در فرضیه اول به بررسی تاثیر توانایی مدیر بر کیفیت افشای اطلاعات پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از برآورد مدل ۱ برای آزمون فرضیه اول در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. تاثیر توانایی مدیر بر کیفیت افشای اطلاعات

$$DIS_{it} = \beta_0 + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 BS_{it} + \beta_3 OD_{it} + \beta_4 IO_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 PROFIT_{it} + \beta_7 Q_{it} + \beta_8 cap-Act_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
α	۳۵/۴۴۳	۱۷/۰۹۱	۲/۰۷۴	۰/۰۳۹
توانایی مدیریت	۱۲/۴۲۶	۴/۴۰۵	۲/۸۲۱	۰/۰۰۵
اندازه هیات مدیره	۰/۳۹۵	۳/۵۸۹	۰/۱۱۰	۰/۹۱۲
نسبت مدیران غیر موظف	۱/۶۶۹	۲/۲۳۰	۰/۷۴۸	۰/۴۵۵
مالکیت نهادی	-۳/۳۷۹	۲/۴۴۶	-۱/۳۸۱	۰/۱۶۸
اندازه شرکت	۲/۶۱۳	۱/۱۶۱	۲/۲۵۱	۰/۰۲۵
سودآوری	۴/۳۶۳	۳/۲۳۸	۱/۳۴۸	۰/۱۷۸
فرصت رشد	-۰/۷۷۲	۰/۶۵۱	-۱/۱۸۶	۰/۲۳۶
سرمایه بر بودن فعالیت	-۸/۶۸۳	۷/۶۵۵	-۱/۱۳۴	۰/۲۵۷

ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۸۵۰

آماره دوربین واتسون: ۱/۹۹۹

آماره F: ۲۷/۷۷۸

احتمال آماره F: ۰/۰۰۰

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، توانایی مدیریت و کیفیت افشا رابطه مثبت و معناداری دارند و هرچه توانایی مدیران بیشتر باشد، امتیازهای تعلق گرفته بابت کیفیت افشا در شرکت‌ها بیشتر است. این نشان می‌دهد مدیران با توانایی بیشتر، اطلاعات به موقع تر و با میزان نوسانات و تغییرات کمتری در پیش بینی‌ها ارائه می‌کنند، که این خود باعث می‌شود تا در ارزیابی سازمان بورس اوراق بهادار امتیاز بیشتری به این شرکت‌ها تعلق بگیرد. بنابراین، توانایی مدیران، عنصری مهم در تعیین کیفیت اطلاعات افشاشده توسط شرکت است. ضریب متغیر کنترلی اندازه شرکت مثبت و معنادار است. این بدین معناست که هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، از کیفیت افشای بالاتری برخوردار است، زیرا شرکت‌های بزرگ، هزینه‌های نمایندگی بالایی نسبت به شرکت‌های کوچک دارند و باید افشای باکیفیت‌تری داشته باشند.

در فرضیه دوم به بررسی تاثیر محافظه کاری بر رابطه بین توانایی مدیر و کیفیت افشا پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از برآورد مدل ۲ برای آزمون فرضیه دوم در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. تاثیر محافظه کاری بر رابطه بین توانایی مدیر و کیفیت افشا

$$DIS_{it} = \beta_0 + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 CON_{it} + \beta_3 MA * CON_{it} + \beta_4 BS_{it} + \beta_5 OD_{it} + \beta_6 IO_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \beta_8 PROFIT_{it} + \beta_9 Q_{it} + \beta_{10} cap-Act_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره T	معناداری
عرض از مبدأ	A	۳۶/۷۴۳	۱۶/۷۲۰	۲/۱۹۸	۰/۰۲۹
توانایی مدیریت	MA _{it}	۱۴/۰۲۴	۴/۳۸۶	۳/۱۹۸	۰/۰۰۲
محافظه کاری	CON _{it}	-۱۰/۹۷۸	۴/۲۹۰	-۲/۵۶۰	۰/۰۱۱
توانایی مدیریت * محافظه کاری حسابداری	MA*CON _{it}	۳/۱۵۹	۳/۷۵۹	۰/۸۴۰	۰/۴۰۱
اندازه هیات مدیره	BS _{it}	۰/۵۰۳	۳/۵۰۴	۰/۱۴۳	۰/۸۸۷
نسبت مدیران غیر موظف	OD _{it}	۱/۸۴۳	۲/۱۸۸	۰/۸۴۳	۰/۴۰۰
مالکیت نهادی	IO _{it}	-۳/۲۹۰	۲/۴۲۴	-۱/۳۵۷	۰/۱۷۵
اندازه شرکت	SIZE _{it}	۲/۵۲۶	۱/۱۳۵	۲/۲۲۵	۰/۰۲۷
سودآوری	PROFIT _{it}	۰/۸۰۳	۳/۵۹۲	۰/۲۲۳	۰/۸۲۳
فرصت رشد	Q _{it}	-۰/۵۱۹	۰/۶۳۵	-۰/۸۱۷	۰/۴۱۴
سرمایه بر بودن فعالیت	cap-Act _{it}	-۹/۰۵۰	۷/۷۴۳	-۱/۱۶۹	۰/۲۴۳

آماره F: ۲۹/۴۵۸
 ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۸۶
 سطح معناداری: ۰/۰۰۰
 آماره دوربین واتسون: ۲/۰۰۹

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، همچون یافته‌های مشاهده‌شده در مدل اول، توانایی مدیریت رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین محافظه‌کاری با کیفیت افشا رابطه منفی و معناداری دارد. به عبارت دیگر محافظه‌کاری مشروط و افزایش کیفیت افشای اطلاعات به عنوان سیاست‌های جایگزین مورد استفاده قرار می‌گیرند.

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب متغیر تعدیل‌گر که حاکی از تاثیرگذاری محافظه‌کاری بر کیفیت افشای اطلاعات از طریق تاثیرگذاری بر توانایی مدیران می‌باشد، مثبت بوده ولی به لحاظ آماری در سطح ۹۵ درصد رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. این بدان معناست که اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه توسط مدیران توانا در بهبود کیفیت افشای اطلاعات درباره وضعیت واقعی شرکت تاثیری ندارد. زیرا محافظه‌کاری سازوکار کنترلی برای کاهش رفتارهای منفعت طلبانه مدیران است؛ در حالی که مدیران با توانمندی و قابلیت‌های حرفه‌ای بالا تلاش می‌کنند با بهبود سطح افشای اطلاعات، نتایج عملکرد مناسب خود را به بازار ارائه دهند و مزیت رقابتی کسب کنند. لذا فرضیه دوم پژوهش مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تاثیر توانایی مدیر بر کیفیت افشای اطلاعات پرداخته شد. در راستای آزمون فرضیه‌ها از مدل دمرجیان (۲۰۱۲) برای سنجش میزان توانایی مدیران و از رتبه کیفیت افشای ارائه شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران به عنوان شاخص کیفیت افشای اطلاعات استفاده شد. یافته‌ها نشان داد، توانایی مدیران رابطه مثبت و معناداری بر کیفیت افشای اطلاعات دارد. این بدین معناست که مدیران با توانایی بیشتر، اطلاعات به موقع تر و با میزان نوسانات و تغییرات کمتری در پیش بینی‌ها ارائه می‌کنند، که این خود باعث می‌شود تا در ارزیابی سازمان بورس و اوراق بهادار امتیاز بیشتری به این شرکت‌ها تعلق بگیرد. بنابراین توانایی مدیران عنصری مهم در تعیین کیفیت اطلاعات افشاشده توسط شرکت است.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود، سهامداران عمده و اعضای هیات مدیره، در انتخاب و گزینش مدیران، افراد توانمند و کارآمد را انتخاب کنند تا بتوانند با بهبود شفافیت اطلاعاتی در بازار سرمایه، ارزش افزایی بیشتری برای مالکان داشته باشند و همچنین با اتخاذ

ساز و کارهای نظارتی مناسب، انگیزه‌های نمایندگان مدیران را کنترل نمایند. آزمون فرضیه دوم مبنی بر تاثیر گذاری محافظه کاری مشروط بر رابطه بین توانایی مدیر و کیفیت افشای اطلاعات نشان داد، رابطه منفی و معناداری بین محافظه کاری مشروط و کیفیت افشا وجود دارد، بدین معنا که اتخاذ رویکرد محافظه کاری کیفیت افشا را کاهش می‌دهد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش نیکبخت و حاجی‌عظیمی (۱۳۹۲) همخوانی دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد، تاثیر گذاری محافظه کاری بر کیفیت افشای اطلاعات از طریق تاثیر گذاری بر توانایی مدیران به لحاظ آماری معنادار نبوده است. این بدان معناست که مدیران توانمند با درک ملاحظات صنعت، وضعیت اقتصادی و منافع رقابتی تلاش می‌کنند تا با اخذ تصمیمات مناسب برای سرمایه گذاران خلق ارزش نموده و از طریق بهبود کیفیت افشای اطلاعات، عملکرد مناسب خود را به سرمایه گذاران و فعالان بازار سرمایه مخابره نمایند. لذا ویژگی محافظه کاری برای مدیران با توانایی بیشتری تاثیری بر کیفیت افشا ندارد.

با توجه به اهمیت افشای اختیاری در بهبود سطح شفافیت اطلاعاتی پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های آتی به بررسی تاثیر گذاری توانایی مدیران بر میزان افشای اختیاری در ابعاد مختلف نظیر، چشم انداز آتی، راهبری شرکتی، عملکرد زیست محیطی، اجتماعی پرداخته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود، کیفیت افشا به ویژگیهای کیفی قابلیت اتکا و به موقع بودن تفکیک شود و تاثیر گذاری توانایی مدیر بر هر یک از اجزای کیفیت افشا بررسی گردد.

منابع

- حاجب، حمیدرضا؛ غیوری مقدم، علی؛ غفاری، محمدرضا، (۱۳۹۳). بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر ساختار سرمایه در صنعت مواد و محصولات دارویی، فصلنامه حسابداری سلامت، سال سوم، شماره سوم (۹)، صص ۱۷-۱.
- حسنی القار، مسعود و شعری آناقیز، صابر (۱۳۹۶). بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، فصلنامه دانش حسابداری، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۳۴-۱۰۷
- رحیمیان، نظام‌الدین و ابراهیمی میمند، مهدی (۱۳۹۲). رابطه بین کیفیت افشا و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشهای تجربی حسابداری، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۹-۱
- رضایی نژاد، فرشاد؛ اکبر دهقان؛ محبوبه بابادی و معصومه بابادی، ۱۳۹۲، «تأثیر توانایی

مدیریت بر کیفیت سود: بررسی موردی بورس اوراق بهادار تهران»، اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، شیراز، موسسه بین‌المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی. عبدلی، محمد رضا؛ غنائی، کمال، هوشنگ، علی (۱۳۹۵). بررسی توانایی مدیریت بر ثبات سود شرکتها و کیفیت ارقام تعهدی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد شاهرود، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

فخاری، حسین؛ یوسفعلی تبار، نصیبه، (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سیاست تقسیم سود و حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۷، شماره ۶۲، صص ۸۴-۶۹.

کاشانی پور، محمد، آذرخوش، حمید و رحمانی، محمد (۱۳۹۴). تأثیر توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارویی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری سلامت، دوره ۴، شماره ۳، صص ۵۸-۶۶

کردستانی، غلامرضا و معجی، ضیاءالدین (۱۳۸۶)، بررسی رابطه بین ویژگیهای کیفی سود و هزینه سرمایه سهام عادی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۴۸، صص ۱۰۴-۸۵

سپاسی، سحر و کاظم‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۵). عوامل اثرگذار بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشای اطلاعات، پژوهشهای کاربردی در گزارشگری مالی، دوره ۵، شماره ۱ (۸). صص ۲۴-۷

ستایش، محمدحسین؛ کاظم‌نژاد، مصطفی، (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیات مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، شماره ۱، ۲۹-۵۱.

ستایش، محمدحسین؛ کاظم‌نژاد، مصطفی و ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۷۴-۵۵

مشایخ، شهناز؛ میمنت‌آبادی، شیوا (۱۳۹۳). «افشای حسابداری، کیفیت حسابداری، محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی»، پژوهش‌های حسابداری مالی و

- حسابرسی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۵۳-۷۰.
- نمازی، محمد؛ غفاری، محمدجواد (۱۳۹۴). بررسی اهمیت و نقش اطلاعات توانایی مدیران و نسبت های مالی به عنوان معیاری در انتخاب سبد بهینه سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (با استفاده از تحلیل پوششی داده ها). فصلنامه حسابداری مالی، جلد ۷، شماره ۲۶، صص ۳۰-۱.
- نیازی، فرشته؛ نیازی، علی و شیرینی، لیلا. (۱۳۹۴). بررسی محافظه کاری بر پایه توانایی مدیریت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین همایش ملی مدیریت و حسابداری ایران، همدان.
- نیکبخت، محمدرضا؛ حاجی عظیمی، فرزاد، (۱۳۹۲). تاثیر محافظه کاری مشروط بر قابلیت اتکای اطلاعات و به موقع بودن افشاء، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی (۱۶).
- نیکو مرام، هاشم؛ بادآورنهدی، یونس، (۱۳۸۸). تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران، ماهنامه فراسوی مدیریت، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۸۷-۱۴۱.
- Ahmed, A. and Duellman, S., (2007). "Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis". *Journal of Accounting and Economics*, 43,411-43.
- Andreou, p., D. Ehrlich, and C. louca.(2013).Managerial ability and firm performance: Evidence from global financial crisis. Working paper. Available. <http://www.mfsociety.org>
- Beaver, W. H. & Ryan, S. G. (2005). Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling. *Review of Accounting Studies*, 10(2-3), 269-309.
- Bochkay, K., Chychyla, R., Nanda, D. (2016). Uncertain ability, career concerns and voluntary disclosure: Evidence from CEO participation in earnings conference calls. Working paper: School of Business Administration, University of Miami
- Bradbury, M., Dean, G. , & Clarke, F. (2007). "Incentives for nondisclosure by corporate groups". Working Paper Available :<http://ssrn.com/abstract=1088113>
- Chemmanur, T. and I. Paeglis (2005). "Management quality, certification, and initial public offerings". *Journal of Financial Economics*, Vol. 76, pp. 331-368.
- Chemmanur, T., Paeglis, I., Simonyan, K., 2009. Management quality

- financial investments and asymmetric information. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 44(5), 1045-1079.
- Chemmanur, T., Paeglis, I., Simonyan, K., 2010. Management quality and equity issue characteristics: a comparison of SEOs and IPOs, *Financial Management* 39 (4), 1601-1642.
- Chou, T. K. and K. Ota (2012). "Managerial ability analyst recommendations, and price informativeness". The 3rd International Conference of Japanese Accounting Review in Kyoto. Available at <http://www.rieb.kobe-u.ac.jp/tjar/conference/3rd/PROGRAM.pdf>
- Demerjian, P., Lev, B., McVay, S., 2006. Managerial ability and earnings quality. Working paper : University of Michigan.
- Demerjian, P., Lev, B. and MacVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: Anew measure and validity test. *Management Science*, 58 (7): 1229-1248.
- Demerjian, P., Lewis, M., Lev, B., McVay, S., 2010. Managerial ability and earnings quality. Working paper : Emory University.
- Demerjian, P., Lev, B. and MacVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: Anew measure and validity test. *Management Science*, 58 (7): 1229-1248.
- Demerjian, Peter; Lev, Baruch; Lewis, Melissa; & Sarah McVay.(2013). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review*. 88(2): 463-498.
- Ertimur, Y., Sletten, E. & Sunder, J. (2014). Large shareholders and disclosure strategies evidence from IPO lockup expirations. *Journal of Accounting and Economics*, 58(1), 79-95.
- Fee, C., C. Hadlock. 2003. Raids, rewards, and reputations in the market for managerial talent. *Review of Financial Study*, 16(4) 1315–1357.
- Givoly, D., C. Hayn and A. Natarajan. (2007). Measuring reporting conservatism. *The Accounting Review*, 82 (1): 65-106.
- Kothari, S. P., Shu, S. & Wysocki, P. D. (2009). Do managers withhold bad news? *Journal of Accounting Research*, 47(1), 241-276.
- Leverly, J.T. and Grace, M. (2012). Dupes or incompetents? An examination of management's impact on firm distress. *Journal of Risk and Insurance*, 79(3), 751-783.
- Li, Han. (2015). Managerial ability and internal control quality: evidence from China. *International Journal of Financial Research*. 6(2); 54-66
- Milbourn, T. 2003. CEO reputation and stock-based compensation. *Journal of Financial Economy*. 68(2) 233–262.